



شیخ محمود شبستری « گلشن راز »

بخش ۲۴ - سوال از شرایط شناخت وحدت و موضوع شناخت عرفانی

بخش ۲۵ - جواب

۱	کس شد بر سرّ وحدت واقف آخر	شناسای چه آمد عارف آخر
۱	کسی بر سرّ وحدت گشت واقف	که او واقف نشد اندر مواقف
۲	دل عارف شناسای وجود است	وجود مطلق او را در شهود است
۳	به جز هستِ حقیقی، هست نشناخت	از آن رو هستی خود پاک در باخت
۴	وجود تو همه خار است و خاشاک	برون انداز از خود جمله را پاک
۵	برو تو خانه دل را فرو روب	مهیا کن مقام و جای محبوب
۶	چو تو بیرون شدی او اندر آید	به تو، بی تو جمال خود نماید
۷	کسی کاو از نوافل گشت محبوب	به لای نفی کرد او خانه جاروب
۸	درون جانِ محبوب، او مکان یافت	ز «بی یسمع و بی یبصر» نشان یافت
۹	ز هستی تا بود باقی بر او شین	نیابد علم عارف صورت عین
۱۰	موانع تا نگردانی ز خود دور	درون خانه دل نایدت نور
۱۱	موانع چون در این عالم چهار است	طهارت کردن از وی هم چهار است
۱۲	نخستین پاکی از اِحداث و آنجاس	دوم از معصیت وز شرّ و سواس
۱۳	سوم پاکی ز اخلاقِ ذمیمه است	که با وی آدمی همچون بهیمه است
۱۴	چهارم پاکی سرّ است از غیر	که اینجا منتهی می گرددش سیر
۱۵	هر آن کاو کرد حاصل این طهارات	شود بی شک سزاوار مناجات
۱۶	تو تا خود را به کَلّی در نبازی	نمازت کی شود هرگز نمازی
۱۷	چو ذاتت پاک گردد از همه شین	نمازت گردد آنکه قُرّة العین
۱۸	نماند در میانه هیچ تمیز	شود معروف و عارف جمله یک چیز
۱	اگر معروف و عارف ذاتِ پاک است	چه سودا در سرّ این مشّت خاک است

بخش ۲۶ - سوال از کیفیت جمع بین وحدت و کثرت

۱	مکن بر نعمت حق ناسپاسی	که تو حق را به نور حق شناسی
۲	جز او معروف و عارف نیست دریاب	ولیکن خاک می یابد ز خورتاب
۳	عجب نبود که ذره دارد امید	هوای تاب مهر و نور خورشید
۴	به یاد آور مقام و حالِ فطرت	کز آنجا بازدانی اصلِ فکرت
۵	«الست بریکم» ایزد که را گفت؟	که بود آخر که آن ساعت «بلی» گفت؟
۶	در آن روزی که گل ها می سرشتند	به دل در قصه ایمان نوشتند
۷	اگر آن نامه را یک ره بخوانی	هر آن چیزی که می خواهی بدانی
۸	تو بستی عقد عهد بندگی دوش	ولی کردی به نادانی فراموش
۹	کلام حق بدان گشته است منزل	که یادت آورد از عهد اول
۱۰	اگر تو دیده ای حق را به آغاز	در اینجا هم توانی دیدنش باز
۱۱	صفتش را بین امروز اینجا	که تا ذاتش توانی دید فردا
۱۲	وگرنه رنج خود ضایع مگردان	برو بنیوش « لا تَهْدِی » ز قرآن

وزن: مفاعیلن مفاعیلن فعولن (هزج مسدس محذوف یا وزن دوبیتی)

منابع:

۱- وبسایت گنجور:

[«گلشن راز» بخشهای 24 تا 27](#)

۲- کتاب گلشن راز، اثر: شیخ محمود شبستری با مقدمه و تصحیح و توضیحات به اهتمام دکتر صمد موحد

۳- کتاب شرح گلشن راز، اثر: الهی اردبیلی - مقدمه و تصحیح و تعلیقات: محمدرضا بزرگ خالقی، عفت کرباسی

۴- کتاب شرح گلشن راز (مفاتیح الاعجاز) اثر: محمد لاهیجی گیلانی، پیش گفتار و ویرایش: دکتر علیقلی محمودی بختیاری

۵- وبسایت واژه یاب: <https://vajehyab.com>



خانقاه خاکسار جلالی مطهری
Khaksar Khanqah

تنظیم و ارائه: وبسایت خانقاه خاکسار مطهریه

لغتنامه:

* مواقف: موقفها، ایستگاهها، مقامها	* نوافل: ج نافله؛ نمازهای سنت که واجب نباشد، نمازهای مستحب .
* سَئِن: عیب؛ زشتی؛ بدی.	* إحداث: پلیدیها و نجسها.
* دَمیمه: زشت، مذموم، ناستوده، نکوهیده.	* بَهِیمه: حیوان چهارپا، از قبیل گاو، گوسفند، اسب و استر.
* قُرَّة العین: آنچه مایه سرور، شادی، یا روشنائی چشم شود؛ نور دیده.	* مُنزَل: فرورستاده شده
* الست بریکم: عهد آلت یا آلت، به عهد و پیمانی اشاره دارد که خداوند در عالم ذر از همه آدمیان گرفته است. این اصطلاح برگرفته شده از تعبیر قرآنی «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟ آیا من پروردگار شما نیستم؟» است. براساس آیات قرآن، خداوند در یک زمان از فرزندان آدم نسبت به ربوبیت خود اقرار گرفته است.	* لا تَهْدِی: هدایت تنها به دست خداست! این آیه پرده از روی این حقیقت بر می دارد که: «تو نمی توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی، ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند، و او از هدایت یافتگان آگاهتر است» (إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ).
حکمت پیمان گرفتن خداوند از انسانها را اتمام حجت بر آنان دانسته اند تا در روز قیامت برای شرک ورزیدن به خدا، عدم آگاهی خود نسبت به خداوند را عذر و بهانه قرار ندهند. (منبع):	منظور از هدایت در اینجا «ارائه طریق» نیست، چرا که ارائه طریق کار اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله است و بدون استثناء راه را به همه نشان می دهد، بلکه منظور از هدایت در اینجا «ایصال به مطلوب» و رسانیدن به سر منزل مقصود است. (منبع):
https://fa.wikishia.net/view/عهد_الست	http://drmostafavi.blogfa.com/post/5668